

کارکردهای تفکر انتقادی در مدیریت استراتژیک (تفکر استراتژیک)

اسفندیار محمدی^۱

محسن آرمان^{۲*}

بهادر تروال^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۱۰/۲۹

چکیده

مدیریت استراتژیک و تفکر انتقادی دو پدیده گسترده و مهم برای جامعه معاصر هستند. مفاهیم آنها هر دو به خوبی در ادبیات بحث شده است. با این حال، پیوندهای مفهومی موجود بین آنها مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته و نقش کارکردهای تفکر انتقادی در فرآیند مدیریت یا تفکر استراتژیک مؤثر آشکار نشده است. این مقاله بر آن است تا با ارائه ارتباطات مفهومی بین تفکر استراتژیک و تفکر انتقادی، این شکاف را پر کند. جهت یافتن مطالعات و مستندات مرتبط با مقاله حاضر در پایگاه داده گوگل اسکولار و پایگاههای دادههای داخلی جهاد دانشگاهی، مگیران و سیویلیکا با استفاده از کلمات کلیدی جستجو صورت گرفت که معیار ورود به مطالعه، انطباق هدف آن با کارکرد های تفکر انتقادی در مدیریت استراتژیک بود. به منظور آشکار ساختن ساختار درونی هر مفهوم و شناسایی ارتباطات مفهومی، یک بررسی انتقادی انجام شد نوع تحقیق حاضر مروری، از بعد هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، یک تحقیق توصیفی می باشد. هدف اصلی این مقاله، اثبات تأثیر تفکر انتقادی بر مدیریت یا تفکر استراتژی است. نتایج نشان داد که عوامل بسیاری می توانند به عنوان پیش نیاز و لازمه مدیریت یا تفکر استراتژی بیان شوند ولی در تحقیق حاضر، نگارنده تفکر استراتژی را به عنوان یکی از مهم ترین پیش نیازهای تفکر انتقادی می داند. این تحقیق را می توان مبنایی برای تحلیل بیشتر پیوند بین این دو پدیده در نظر گرفت. افزایش آگاهی از کارکردهای تفکر انتقادی در مدیریت یا تفکر استراتژیک می تواند جهت گیری های جدیدی را در استراتژی های سازمانی ایجاد کند.

واژگان کلیدی

مدیریت استراتژیک، تفکر استراتژیک، تفکر انتقادی، بررسی انتقادی.

۱ دانشیار دانشکده مدیریت، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (* نویسنده مسئول: Mohsenarman@gmail.com)

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

مقدمه

در محیط پیچیده و پر تحول، تفکر راهبردی یک مهارت اساسی برای منابع انسانی، مخصوصاً فرماندهان ارشد ناجا است. صاحب نظران عقیده دارند، سرعت تغییر در محیط به قدری بالاست که نمی توان به برنامه ریزی راهبردی اکتفا کرد و در کنار آن افراد سازمان باید از مهارت تفکر راهبردی برخوردار باشند تا بتوان هر لحظه در مقابل تغییرات محیط عکس العمل مناسب را نشان دهند. این مهارت، نه تنها برای محیط شغلی، بلکه برای زندگی شخصی آنان نیز مفید است. توانایی تفکر راهبردی برای رقابتی ماندن در یک محیط متلاطم و جهانی، حیاتی است (بشیر بنائم، ۱۳۹۲).

تفکر انتقادی^۱ در کنار شیوه تفکر خلاق، پیش نیاز سایر مهارت های زندگی از جمله حل مساله، تصمیم گیری، ارتباط موثر و روابط سازنده را تشکیل می دهد. فردی که توانایی تفکر انتقادی را نداشته باشد نمی تواند راه حل های متعدد برای مسایل را ارزیابی و بهترین شیوه را انتخاب کند و لذا باشکست های متعدد روبه رو خواهد شد. تفکر انتقادی فرد را قادر می سازد تا ایده ها و راه حلهای موجود را ارزیابی کرده و بهترین آنها را انتخاب کند (امید و تابلی، ۱۳۹۵).

هوروات^۲ (۲۰۱۵) تفکر استراتژیک را به عنوان فرآیند ایجاد و به کارگیری بینش تجاری به طور مداوم برای دستیابی به مزیت رقابتی تعریف می کند. این فرآیند به طور منظم به عنوان بخشی از فعالیت های روزانه در یک سازمان اتفاق می افتد. علاوه بر این، دیونیزیو^۳ (۲۰۱۷) بیان می کند که تفکر استراتژیک «یک جزء ضروری از توسعه استراتژی، یک فرآیند ذهنی، تأملی و مسئله گرا است که هدف آن توسعه استراتژی های جدید است و ممکن است قبل، در حین یا پس از برنامه ریزی استراتژیک اتفاق بیفتد». از نظر بوهایلی^۴ (۲۰۱۵) تفکر استراتژیک صرفاً به «تفکر در مورد برنامه ریزی» اشاره دارد. مفهوم تفکر استراتژیک بر مزیت رقابتی تمرکز دارد زیرا به دنبال تعیین اهداف سازمانی برای بلندمدت، توسعه و اجرای برنامه هایی برای دستیابی به این اهداف و تخصیص منابع مورد نیاز برای دستیابی به این اهداف است. علاوه بر این، گلدمن و همکاران^۵ (۲۰۱۵) معتقد است که تفکر استراتژیک نیز در سه جنبه اصلی شامل تکنیک های تحلیلی (پیدا کردن راهبردهای جدید و خلاقانه)، پردازش ذهنی (تشکیل استراتژی از طریق تفکر خلاق و تفکر انتقادی) و رفتارهای درگیرانه (فعالیت هایی مانند پویش، پرسش، مفهوم سازی و آزمایش)؛ بنابراین تفکر استراتژیک فرآیندی مستمر است و ابزاری برای خلق ارزش و دستیابی به مزیت رقابتی در اختیار سازمان ها قرار می دهد. کامل و معنادار باشد به عبارت دیگر تفکر انتقادی نیز اغلب از دیدگاهی عمل گرایانه و نسبتاً مصرف گرا به عنوان توانایی اعضای یک سازمان برای عمل در شرایط مبهم، استرس زا و نامشخص و به عنوان ابزاری سریع و کارآمد برای حل مشکلات مختلف به منظور دستیابی به قابلیت اقتصادی دیده می شود.

مفهوم مدیریت استراتژیک در چند دهه اخیر رشد چشمگیری داشته است. تفکر و عمل استراتژیک در محیط هایی که به سرعت در حال رقابتی و موثر در جهان شده اهمیت حیاتی پیدا کرده است. این فرآیند استراتژیک که با هدف حفظ یا بهبود مزیت رقابتی در بازار انجام می شود، شامل جنبه های مختلفی از جمله تفکر و برنامه ریزی در مورد چگونگی تخصیص بهترین منابع، فعالیت های اجرا شده برای دستیابی به نتایج مورد نظر و تحقق مأموریت و چشم انداز سازمان

¹ Critical Thinking

² Horwath

³ Dionisio

⁴ Bouhali

⁵ Goldman

هدف این مقاله بررسی این فرآیند، از طریق مرور ادبیات، با تمرکز بر اهمیت تفکر استراتژیک برای برنامه ریزی استراتژیک است.

تفکر انتقادی

مارتا نوسبام^۱ فیلسوف معاصر و استاد دانشگاه شیکاگو، معتقد است که از مهم ترین دستاوردهای علوم انسانی، تفکر انتقادی است و نگاه استدلالی و مبتنی بر اصول منطقی از رهگذر این علوم آموزش داده می شود. یافته های تحقیقاتی جدید نشان از توجه به علوم «مفید» و کاربردی دارد. سیاست مداران به مهارت های تکنیکی، به عنوان کلید موفقیت در اقتصاد جهانی می نگرند. بر این اساس و با توجه به توجه فزاینده به علوم فنی، زمانه سختی را برای علوم انسانی شاهد هستیم. اگر تفکر انتقادی که از رهگذر علوم انسانی آموزش داده می شود، توسط یک زندگی تجربه نشده جویندگان کار، جایگزین شود توانایی ما برای استدلال درباره درست و اشتباه، رو به افول خواهد رفت (بشیرنایم، ۱۳۹۲) ویلیامز (۲۰۰۲، ۹۲p) می گوید: «تفکر انتقادی شامل تأیید «واقعیات» آن گونه که ما آنها را می فهمیم، برانگیختن بحث های آگاهانه در مورد شواهد، تأیید منبع اعتبار برای آنچه می شنویم، ایجاد توضیحات جایگزین و آزمایش آنچه باور داریم، است.» او تأکید می کند (در فصل ۶)

*تشخیص علت از همبستگی

*کشف صحت مدارک ارائه شده

*پرس و جو برای جستجوی اطلاعات

*آزمایش حقایق و ارزیابی اعتبار اطلاعات، از جمله جستجوی شواهد پشتیبان و نادرست

*به حداقل رساندن تأثیرات باورها و انتظارات ما

*نظارت بر فرآیندهای تفکر

*اطمینان از دقت و صحت

براون و کیلی (۲۰۰۷) یک فرآیند تفکر استراتژیک را توصیه می کنند که شامل پاسخ دادن به ۱۱ سوال زیر در زمان مناسب و استفاده از نتایج برای ارزیابی انتقادی یک ارتباط (ما یا دیگران) است:

۱. مسائل و نتایج چیست؟

۲. دلایل حمایت از نتیجه گیری چیست؟

۳. کدام کلمات یا عبارات مبهم هستند؟

۴. تضادها و مفروضات ارزشی در مورد اولویت های ارزشی چیست؟

۵. مفروضات توصیفی چیست؟

۶. شواهد چقدر خوب است؟

۷. چه اطلاعات مهمی حذف شده است؟

۸. آیا آمار فریبنده است یا گمراه کننده؟

۹. آیا اشتباهاتی در استدلال وجود دارد (برای انواع رایج به پیوست مراجعه کنید)؟

۱۰. آیا علل رقیب، یعنی توضیحات یا تفسیرهای دیگری از شواهد یا این یافته ها وجود دارد؟

¹ Martha C. Nussbaum

۱۱. چه نتیجه گیری های معقولی ممکن است (ممکن است احتمالات متعدد و رقابتی و/یا نیاز به واجد شرایط وجود داشته باشد)؟

بهترین استراتژی شما این است که خود را به عنوان کسی معرفی کنید که مانند کسی که در وهله اول بحث را مطرح کرد، در حال تلو تلو خوردن است اما همیشه مراقب برای نتیجه گیری بهتر است. گشاده رویی یک ارزش مرکزی تفکر انتقادی است و شما با اشتیاق خود به گوش دادن و کشف آن صراحت را نشان می دهید. هر کس اول نتیجه گیری بهتری را پیدا کند موضوعیت ندارد. آنچه مهم است جستجو برای نتیجه گیری بهتر است. اگر به کسانی که می خواهند شما را متقاعد کنند که شریک آن ها هستید در فرآیند کشفی که قصد غنی سازی هر دوی شما را دارد سیگنال هایی می دهید، ممکن است سؤالات انتقادی شما را ابزاری ببینند که برای هر دوی شما ضروری است (براون و کیلی^۱، ۲۰۰۷).
الدر و پل (۲۰۰۸) معیار فکری کلیدی را شناسایی می کنند که هر زمان که فرد علاقه مند به بررسی کیفیت استدلال است باید در تفکر به کار رود. تفکر انتقادی مستلزم تسلط بر این استانداردها و مهارت در پرسشگری است.

پیشینه

مارک سالاما آسویی (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی اهمیت تفکر استراتژیک برای برنامه ریزی استراتژیک در فرآیند مدیریت استراتژیک، در این مقاله بیان شده است که اگرچه این دو مفهوم به هم مرتبط هستند، اما تفکر استراتژیک با برنامه ریزی استراتژیک متفاوت است و هر جنبه سهم ویژه ای در فرآیند مدیریت استراتژیک دارد. ادبیاتی برای روشن شدن معنای دو مفهوم و همچنین شناسایی اهمیت تفکر استراتژیک برای برنامه ریزی استراتژیک بررسی شد. یافته های اصلی نشان داد که تفکر استراتژیک در سه مرحله مختلف برنامه ریزی استراتژیک مهم است: (۱) قبل از: تیزبینی، ماده خام برنامه ریزی استراتژیک را فراهم می کند. (۲) در طول: به طور هدفمند اولویت بندی می کند، معاوضه ها را هوشمندانه انجام می دهد و منابع محدود را هوشمندانه تخصیص می دهد؛ و (۳) بعد: نقاط عطف کلیدی را برای اندازه گیری موفقیت تعیین می کند؛ بنابراین برای افراد و همچنین سازمان ها بسیار مهم است که تفکر استراتژیک و برنامه ریزی استراتژیک را به عنوان دو مفهوم متمایز اما مکمل به کار گیرند تا از ورودی های خاص هر یک از آنها در تعقیب اهداف شخصی یا شرکتی بهره مند شوند.

آسویی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان بررسی اهمیت تفکر استراتژیک برای برنامه ریزی استراتژیک در فرآیند مدیریت استراتژیک، هدف این مقاله بررسی اهمیت تفکر استراتژیک برای برنامه ریزی استراتژیک در فرآیند مدیریت استراتژیک بود. در این مقاله بیان شده است که اگرچه این دو مفهوم به هم مرتبط هستند، اما تفکر استراتژیک با برنامه ریزی استراتژیک متفاوت است و هر جنبه سهم ویژه ای در فرآیند مدیریت استراتژیک دارد. ادبیاتی برای روشن شدن معنای دو مفهوم و همچنین شناسایی اهمیت تفکر استراتژیک برای برنامه ریزی استراتژیک بررسی شد. یافته های اصلی نشان داد که تفکر استراتژیک در سه مرحله مختلف برنامه ریزی استراتژیک مهم است: (۱) قبل از: تیزبینی، ماده خام برنامه ریزی استراتژیک را فراهم می کند. (۲) در طول: به طور هدفمند اولویت بندی می کند، معاوضه ها را هوشمندانه انجام می دهد و منابع محدود را هوشمندانه تخصیص می دهد؛ و (۳) بعد: نقاط عطف کلیدی را برای اندازه گیری موفقیت تعیین می کند؛ بنابراین برای افراد و همچنین سازمان ها بسیار مهم است که تفکر استراتژیک و برنامه

¹ Browne & Keeley

ریزی استراتژیک را به عنوان دو مفهوم متمایز اما مکمل به کار گیرند تا از ورودی های خاص هر یک از آنها در تعقیب اهداف شخصی یا شرکتی بهره مند شوند.

سرهنگی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان تفکر استراتژیک مفهوم و تقویت آن: مرور انتقادی و پیشنهاد برای پژوهشهای آینده، در این مقاله سعی شده تا با نگاهی انتقادی بر تعاریف مختلف آنها را دسته بندی کنیم سپس مدلی برای مفهومی تفکر استراتژیک ارائه می کنیم که اکثر تعاریف را در بر بگیرد؛ بعد از اینکه چستی تفکر استراتژیک مشخص شد به بررسی و دسته بندی تقویت تفکر استراتژیک در پژوهشها و مقالات مختلف می پردازیم اکثر پژوهشگران راهکارهای توسعه و تقویت تفکر استراتژیک را در سه سطح فرد و گروه و سازمان مطرح کرده اند. این مقاله نیز موضوعات مطرح شده را در قالب یک مدل ارائه می کند و در هریک از آنها ویژگی عوامل تاثیر گذار را بر توسعه تفکر استراتژیک بررسی می کند.

امید و تابلی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان جایگاه تفکر انتقادی در مدیریت، هدف این مقاله بررسی جایگاه تفکر انتقادی در مدیریت است که نتایج نشان میدهد برخلاف آنچه که در گذشته تصور می شد که مهارت های تفکر فقط یک استعداد خاص است که بعضی از افراد دارایی این استعداد و عده ای فاقد این استعداد می باشند؛ استعدادی که ارثی و خدادادی است. امروزه کاملاً این نظریه رد شده است و عقیده بر آن است که این مهارت ها قابل آموزش و یادگیری هستند و ضرورت دارد که در امر تربیت، فرصت هایی فراهم شود تا افراد بتوانند از سنین پایین این مهارت ها را آموخته و در اثر تمرین و ممارست بر آنها مسلط و ماهر شوند همچنین بررسی ها حاکی از آن است که تفکر انتقادی در کنار شیوه تفکر خلاق، پیش نیاز سایر مهارت های زندگی از جمله حل مساله، تصمیم گیری، ارتباط موثر و روابط سازنده را تشکیل می دهد. فردی که توانایی تفکر انتقادی را نداشته باشد نمی تواند راه حل های متعدد برای مسائل رارزیابی و بهترین شیوه را انتخاب کند و لذا باشکست های متعدد روبه رو خواهد شد.

کلهر و مهران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان تاثیر استراتژی نقشه مفهومی بر مهارت های تفکر انتقادی دانش آموزان، یافته ها تفاوت معناداری بین نمرات تفکر انتقادی دانش آموزان گروه آزمایش و کنترل را نشان داد که بیانگر تاثیر مثبت استراتژی آموزشی نقشه مفهومی بر توسعه مهارت های تفکر انتقادی دانش آموزان است

محسن پور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان تفکر انتقادی و راهبردهای توسعه آن در آموزش پرستاری، نتایج نشان داد که انتخاب روش تدریس، در چگونگی فرایند تفکر در فراگیر نقش مهمی دارد. مطالعات مختلف، استراتژی های متفاوتی از تدریس را در ارتقاء تفکر انتقادی ارائه نموده اند. استفاده از روش های نوین در تدریس به ویژه روش های یادگیری مبتنی بر مسئله و نقشه مفهومی در توسعه تفکر انتقادی مؤثر است. نتیجه گیری: با توجه به جایگاه مشخص تفکر انتقادی در فرایند آموزش، توجه بیشتر به آن در برنامه درسی فعلی و بکارگیری رویکردهای نوین تدریس در دانشگاه های علوم پزشکی، یک ضرورت است؛ البته باید در نظر داشت که ترکیبی از روش های مختلف آموزشی در پرورش تفکر انتقادی نقش دارد

اشرافی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان پرورش انواع تفکر معطوف به آینده در آموزش و پرورش، نتیجه ای که در نهایت از تفکر یکپارچه که حاصل ترکیب انواع تفکر است گرفته می شود عبارت خواهد بود از آینده بینی، نتیجه گیری و تصمیم گیری برای آینده مطلوب و عملیاتی کردن این تصمیمات. البته این امر نه تنها مستلزم یادگیری مادام العمر است، بلکه نیازمند آن است که با بهره گیری از انواع روش های تفکر، آینده ساخته شود. کاربرد مهارتهای تفکر به خلق

ایده ها، دانش ها و روش هایی نو منجر می شود که می توانند آینده را از حال متمایز کرده، دانش نظری تولید کرده و به دانش عملی تبدیل کنند. بنابراین پرورش مهارت های تفکر نه تنها لازم بلکه ضروری است و از اهداف مهم تعلیم و تربیت در هر نظام تربیتی به حساب می آیند.

روش بررسی

جهت یافتن مطالعات و مستندات مرتبط با مقاله حاضر در پایگاه داده گوگل اسکولار^۱ و پایگاه های داده های داخلی جهاد دانشگاهی^۲، مگیران^۳ و سیویلیکا^۴ با استفاده از کلمات کلیدی «تفکر انتقادی»، «تفکر استراتژیک»، «مدیریت استراتژیک»، «بررسی انتقادی» جستجو گردید. برای انتخاب مستندات مورد استفاده ابتدا عناوین یافته ها از نظر ارتباط موضوعی بررسی شدند. پس از بررسی عناوین، مقالات از نظر ارتباط چکیده با هدف مورد نظر بررسی شده و انتخاب گردیدند. منابع منتخب بطور کامل مطالعه و نهایی شده، مطالب مورد نیاز و نکات مهم و ضروری از منابع استخراج شد. نتیجه جستجوی به عمل آمده منجر به یافتن مجموعاً ۳۶۹۹ مقاله در پایگاه های داده های داخلی و ۴۵۸۰ مقاله در پایگاه داده گوگل اسکولار گردید. از مجموع مستندات بدست آمده، حدود ۹۰ درصد مطالعات عمدتاً به موضوعاتی از قبیل مدیریت، مدیریت سازمانی، مدیریت منابع انسانی و غیره. پرداخته بودند.

مهارت های تفکر استراتژیک چیست؟

مهارت های تفکر استراتژیک هر مهارتی است که شما را قادر می سازد از تفکر انتقادی برای حل مشکلات پیچیده و برنامه ریزی برای آینده استفاده کنید. این مهارت ها برای دستیابی به اهداف تجاری، غلبه بر موانع و رسیدگی به چالش ها ضروری هستند، به ویژه اگر پیش بینی می شود هفته ها، ماه ها یا حتی سال ها به طول بینجامد. مهارت های تفکر استراتژیک عبارتند از:

مهارت های تحلیلی: برای ایده پردازی استراتژی که به سازمان شما کمک می کند تا به اهداف خود برسد، باید قادر به تجزیه و تحلیل انواع ورودی ها باشید - از صورت های مالی گرفته تا شرایط بازار، روندهای تجاری نوظهور و تخصیص منابع داخلی. این تحلیل اولیه برای ایجاد یک استراتژی که با واقعیت فعلی پیش روی سازمان شما همسو باشد، حیاتی است.

مهارت های ارتباطی: قرار دادن یک استراتژی برای شرکت شما، صرف نظر از اندازه آن، نیازمند مهارت های ارتباطی قوی است. توانایی برقراری ارتباط با ایده های پیچیده، همکاری با ذینفعان داخلی و خارجی، ایجاد اجماع و اطمینان از همسویی همه افراد و تلاش در جهت اهداف مشترک، همگی در تفکر استراتژیک نقش اساسی دارند.

مهارت های حل مسئله: برنامه ریزی استراتژیک اغلب برای حل مشکلات یا مقابله با چالش هایی مانند اهداف مالی از دست رفته، گردش کار ناکارآمد یا یک رقیب در حال ظهور استفاده می شود. اجرای یک استراتژی که به چالش اصلی که با آن روبه رو هستید می پردازد، مستلزم آن است که ابتدا مشکل و راه حل های بالقوه آن را درک کنید. از آنجا، می توانید یک استراتژی بسازید که آن را حل کند.

¹ Google scholar

² SID

³ Magiran

⁴ Civilica

مهارت های برنامه ریزی و مدیریت: استراتژی فقط به فکر راه حل نیست، بلکه شامل اجرا نیز می شود. هنگامی که داده ها تجزیه و تحلیل شدند، مشکل درک شد و راه حل مشخص شد، برای جمع کردن همه چیز به برنامه ریزی و مهارت های مدیریتی قوی نیاز دارید.

چگونه مهارت های تفکر استراتژیک خود را بهبود بخشید

۱. سوالات استراتژیک پرسید

اگر می خواهید مهارت های تفکر استراتژیک خود را بهبود ببخشید، یکی از ساده ترین کارهایی که می توانید انجام دهید این است که سوالات استراتژیک بیشتری پرسید. انجام این کار به شما امکان می دهد مهارت های برنامه ریزی خود را تمرین کنید، در شناسایی فرصت ها ماهر شوید و ذهنیت استراتژیک تری ایجاد کنید که می توانید در طول حرفه خود از آن استفاده کنید. همچنین مهم است که سؤالات شما در مورد نقش و مسئولیت شما اعمال شود تا بتوانید به آنها عمل کنید.

چند نمونه از سوالات استراتژیک که ممکن است پرسید عبارتند از:

چگونه می توانیم موقعیت استراتژیک خود را برای ورود به یک بازار جدید قرار دهیم؟

جهت رشد هر یک از محصولات یا خدمات ما چیست؟

رشد سازمان در پنج سال آینده از کجا می آید و چگونه با جایی که رشد از لحاظ تاریخی به آن رسیده است، مقایسه می شود؟

سازمان چگونه باید به تهدید ارائه شده توسط رقبای بالقوه مخرب پاسخ دهد؟

۲. مشاهده و تأمل کنید

علاوه بر پرسیدن سؤالات استراتژیک، باید به آنها به طرز ماهرانه ای پاسخ داده و به آنها رسیدگی کنید. یکی از مؤثرترین راه ها برای دستیابی به این امر، مشاهده و تأمل در مورد وضعیت فعلی خود است و اطمینان حاصل کنید که هر استراتژی که تصور می کنید بر اساس حقایق استوار است. به عنوان مثال، تصور کنید کسب و کاری که برای آن کار می کنید شروع به از دست دادن سهم بازار یکی از محصولات خود در بین مشتریان سنتی خود کرده است. در همان زمان، سهم بازار را از یک پایگاه مشتری کاملاً جدید به دست آورده است. تصور اینکه چرا ممکن است این اتفاق بیفتد آسان است، اما انجام این کار می تواند شما را در یک لحظه حیاتی از وجود سازمانتان در مسیر اشتباه قرار دهد. به جای اینکه کورکورانه از یک فرضیه پیروی کنید تا آنجا که ممکن است اطلاعات بیشتری را جمع آوری کنید تا در هنگام طراحی استراتژی خود از آنها استفاده کنید. به عنوان مثال، این ممکن است شامل انجام مصاحبه های کاربر با مشتریان جدید برای شناسایی مشاغل مختلفی باشد که محصول شما را برای انجام آن استخدام می کنند. درک اینکه چرا مشتریان جدید جذب محصول شما می شوند می تواند شما را قادر سازد تا استراتژی بازاریابی و توسعه محصول خود را طوری تنظیم کنید که نیازهای آنها را بهتر پذیرد.

۳. ایده های مخالف را در نظر بگیرید

هنگامی که به استراتژی رسیدید که می تواند به سازمان شما کمک کند تا به اهداف خود برسد، مفروضات خود را زیر سوال ببرید و فرضیه خود را از طریق آزمایش دقیق انجام دهید. با انجام این کار، می توانید مطمئن شوید که احتمال دیگری را نادیده نمی گیرید. ایفای نقش مدافع شیطان با ایده هایتان می تواند به شما این امکان را بدهد که پیشگیرانه

نقاط ضعف استدلال خود را شناسایی کنید و وقتی دیگران سؤال می‌پرسند، شما را برای دفاع از استراتژی خود مجهز می‌کند. همچنین می‌تواند به شما کمک کند تا مهارت‌های منطقی مورد نیاز برای برقراری ارتباط و اجرای استراتژی خود را تقویت کنید.

چه در بلندمدت یا کوتاه مدت، یک ذهنیت استراتژیک را می‌توان از طریق خودکاوی، پرسش انتقادی و آموزش رسمی ایجاد کرد. مزیت داشتن یک طرز فکر استراتژیک این است که به جای اینکه به چه چیزی فکر کنید، یاد بگیرید چگونه فکر کنید. اگرچه ممکن است همیشه پاسخ‌های درستی نداشته باشید، مهارت‌های تفکر استراتژیک می‌تواند شما را در شناسایی فرصت‌های جدید، رسیدگی به چالش‌های نوظهور و برنامه‌ریزی برای موفقیت‌های آینده توانمند کند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر به دنبال آن است که تفکر انتقادی را به عنوان بستر تفکر استراتژیک به طور کامل شرح داده و نحوه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آن را از دیدگاه صاحب نظران بیان کند. ادبیات مدیریت استراتژیک بحث‌های قابل توجهی را در میان محققان در مورد معنای مفاهیم تفکر استراتژیک و برنامه‌ریزی استراتژیک آشکار می‌کند. تفکر استراتژیک با برنامه‌ریزی استراتژیک و متفاوت است و هر دو جزء فرآیند مدیریت استراتژیک هستند. اگرچه بین این دو جزء مدیریت استراتژیک تمایزی وجود دارد، اما دو مفهوم مکمل یکدیگر هستند. تفکر انتقادی مجموعه‌ای ابزار، روش‌شناسی و فرآیندی است که در طول فعالیت‌هایی مانند حل مسئله، تصمیم‌گیری، نوآوری، رهبری، مذاکره، تأثیرگذاری و موارد دیگر از آن استفاده می‌کند. تفکر استراتژیک تفکری فراتر از موضوع یا وظیفه‌ای است که در دست دارد؛ بنابراین، تفکر استراتژیک نه تنها برنامه را حفظ می‌کند، بلکه اجرای آن را نیز به طور عینی بررسی می‌کند. نقاط عطف به طور خاص تعیین می‌شوند تا دستاوردها را اندازه‌گیری کنند و تشخیص دهند که آیا سازمان مطابق جهت برنامه‌ریزی شده حرکت می‌کند یا خیر.

مقایسه تفکر استراتژیک و تفکر انتقادی مانند مقایسه دویدن و یک جفت کفش است. یکی فعالیت است و دیگری ابزار. در فرآیند تفکر فوق، می‌توانید از تفکر انتقادی استفاده کنید تا اهداف خود را روشن کنید و اینکه چگونه آنها با ویژگی‌های ماشین مطابقت دارند، بررسی کنید که چرا این اهداف شما هستند و اولویت‌ها را درک کنید و چگونه باید آن موضوعات استراتژیک را در طول تصمیم خود در نظر بگیرید. شما به مفروضات پشت این ایده‌های استراتژیک نگاه خواهید کرد تا تعیین کنید که آیا آنها واقع بینانه یا بعید هستند. با استفاده از تفکر انتقادی، می‌توانید افکار استراتژیک را به گونه‌ای ارزیابی کنید که بتواند درک بهتری از چگونگی تأثیر آن عوامل و اینکه آیا «تفکر» شما درست است یا خیر، ارزیابی کنید.

آیا می‌توانید بدون اینکه یک متفکر انتقادی باشید یک متفکر استراتژیک باشید؟ راه دیگری برای پرسیدن این سوال این است که آیا می‌توانید بدون استفاده از ابزارهای تفکر انتقادی به صورت استراتژیک فکر کنید. بله می‌توانید، اما اگر از ابزارهایی که به طور خاص کمک می‌کنند، یعنی تفکر انتقادی، استفاده نکنید، احتمال خطا، یا سردرگمی، یا اولویت‌های نابجا، یا عدم وضوح زیاد است. هنگام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در مورد چیزهایی که به طور بالقوه پیامدهای طولانی مدت و قابل توجهی دارند، از تفکر استراتژیک استفاده کنید. همیشه از تفکر انتقادی به عنوان ابزاری برای کمک به شما در این زمینه استفاده کنید. همچنین، از تفکر انتقادی به عنوان ابزاری برای کمک به شما در سایر فعالیت‌های ذکر شده در بالا استفاده کنید.

بررسی انتقادی ادبیات مفاهیم مدیریت استراتژیک و تفکر انتقادی نشان داد که این پدیده ها دارای نقاط مشترک بسیاری هستند؛ بنابراین برای یک سازمان هدفمند است که مهارت های تفکر انتقادی هر یک از اعضا را تقویت کند که متعاقباً امکان توسعه رقابت پذیری سازمان را به عنوان یک کل روابط اجتماعی از طریق اقدامات اجتماعی فردی فراهم می کند. فرآیند تفکر انتقادی و تفکر استراتژی را می توان به عنوان یک خیابان دو طرفه توصیف کرد. فرد به صورت فردی می اندیشد، می آفریند و دانش را می سازد. در روابطی که می تواند به عنوان نقطه ملاقات افراد و دیگران تلقی شود، تبادل افکار، ایده ها، اطلاعات صورت می گیرد.

منابع و مآخذ

- اشرافی (۱۳۹۳). پرورش انواع تفکر معطوف به آینده در آموزش و پرورش، همایش ملی آینده پژوهی، سازمان ها و مراکز غیر دولتی، یادگار درخشان آریا، 1393 دوره 3
- امید، رضا و تابلی، حمید، ۱۳۹۵، جایگاه تفکر انتقادی در مدیریت، دومین کنفرانس بین المللی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد، تهران
- بشیر بنائم، یاسر (۱۳۹۲). بررسی نقش تفکر انتقادی در راستای تعالی تفکر راهبردی، توسعه فصلنامه، سال هشتم، شماره 29، پاییز 1392
- سرهنگی، رحیم، ۱۳۸۹، تفکر استراتژیک مفهوم و تقویت آن: مرور انتقادی و پیشنهاد برای پژوهشهای آینده، پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت استراتژیک، تهران، <https://civilica.com/doc/102900>
- محسن پور، محدثه؛ محبوبه محبی؛ نرجس حشمتی فر؛ فاطمه برزویی (۱۳۹۳). تفکر انتقادی و راهبردهای توسعه آن در آموزش پرستاری، دوره ۱۹، شماره ۱، 29، تابستان ۱۳۹۳، صفحه 38-48
- منصوره کلهر گلنار مهران (۱۳۹۶). تأثیر استراتژی نقشه مفهومی بر مهارت های تفکر انتقادی دانش آموزان، روانشناسی تربیتی سال سیزدهم تابستان ۱۳۹۶ شماره ۴۴
- E. F. Goldman, A. R. Scott, and J. M. Follman, "Organizational practices to develop strategic thinking," *Journal of Strategy and Management*, 8 (2), pp. 155-175, May 2015.
- M. A. Dionisio, "Strategic thinking: The role in successful management," *Journal of Management Research*, 9(4), pp.44-57, October 2017.
- Marc Salama Asobee. Exploring the Importance of Strategic Thinking to Strategic Planning in the Strategic Management Process. *Journal of Business and Management Sciences*. 2021; 9(2):68-70. doi: 10.12691/jbms-9-2-2
- R. Bouhali, Y. Mekdadb, H. Lebsirc, and L. Ferkha, "Leader Roles for Innovation: Strategic Thinking and Planning," *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 181, pp.72-78, May 2015.
- R. Horwath, "What is strategic thinking?" *Strategy Skills*, 2015. [Online]. Available: https://www.strategyskills.com/Articles_Samples/What_is_Strategic_Thinking.pdf. [Accessed Nov. 16, 2020].

Functions of Critical Thinking in Strategic Management (Strategic Thinking)

Esfandiar Mohammadi¹

Mohsen Arman^{*2}

Bahador Troval³

Date of Receipt: 2021/12/18 Date of Issue: 2022/01/19

Abstract

Strategic management and critical thinking are two broad and important phenomena for contemporary society. Their implications are both well discussed in the literature. However, the conceptual links between them have not been analyzed and the role of critical thinking functions in the process of effective management or strategic thinking has not been revealed. This article seeks to fill this gap by providing conceptual connections between strategic thinking and critical thinking. In order to find studies and documents related to the present article in Google Scholar database and internal databases of Jihad Daneshgahi, Magiran and Civilica, a search was performed using the keywords. In order to reveal the internal structure of each concept and identify conceptual relationships, a critical study was conducted. The main purpose of this article is to prove the effect of critical thinking on management or strategic thinking. The results showed that many factors can be expressed as a prerequisite for management or strategic thinking, but in the present study, the author considers strategic thinking as one of the most important prerequisites for critical thinking. This research can be considered as a basis for further analysis of the relationship between these two phenomena. Increasing awareness of the functions of critical thinking in management or strategic thinking can create new orientations in organizational strategies.

Keywords

Strategic Management, Strategic Thinking, Critical Thinking; Critical review

1 Associate Professor, School of Management, Ilam University.

2 Master of Business Administration Students, Ilam University (* Corresponding Author: Mohsenarman@gmail.com)

3 Master students of Business Management, Ilam University.